



An Investigating the Translation Method of the Word “Ba’dh” (“Some”) and Its Compositions in Some English Translations of the Quran *



Javad Chaji ^۱

Mojtaba Noruzi ^۲

Abstract

Since the long past, interlanguage translation has always been of interest. Since Islam was accepted by non-Arab Muslims, the issue of Quran translation was also raised. Considering the special position of the Quran and its inhumanity, translating the Quran into non-Arabic languages has been and is the most challenging issue among translators. Especially, conveying the concept of allusions and similes is almost impossible considering the miracle aspect of the Quran. At the same time, with the widespread promotion of Islam in the world and the need for all Muslims to benefit from this source of revelation, the translation of the Quran is inevitable. On the other hand, the familiarity of the majority of people in the world with the English language has translated the Quran into this language very important. This article, using a descriptive-analytical method, seeks to answer the question of how the English translators of the Quran (Arberry, Saffarzadeh, Pickthall, and Yusuf Ali) acted in the translation of the word “Ba’dh” (“some”) and its compositions. In the study of the existing translations, the effect of the difference in the mother tongue and the cultural differences of the translators is evident in the presented works. Of course, other translations have also been used as needed. The results of the research indicate that in most cases the grammatical role of the word or its specific meaning in the composition has been neglected and the correct translation has not been provided.

Keywords: English Translation of Quran, Arberry, Yusuf Ali, Saffarzadeh, Pickthall, the Word “Ba’dh” (“Some”).

*. **Date of receiving:** August ۲۰, ۲۰۲۱; **Date of correction:** March ۲۴, ۲۰۲۲; **Date of approval:** April ۷, ۲۰۲۲.

^۱. M.A., Faculty of Quranic and Hadith Sciences, Mashhad, Iran; (Corresponding Author): (jchaji@gmail.com)

^۲. Assistant Professor of Quranic Sciences and Education University, Mashhad, Iran; (m.noruzi@quran.ac.ir)



بررسی نحوه ترجمه واژه «بعض» و ترکیبات آن در برخی ترجمه‌های انگلیسی قرآن*

جواد چاجی^۱ و مجتبی نوروزی^۲



چکیده

از گذشته‌های دور ترجمه بین‌زبانی همواره مورد توجه بوده است. از زمانی که اسلام مورد پذیرش مسلمانان غیر عرب قرار گرفت، موضوع ترجمه قرآن نیز مطرح شد. با توجه به جایگاه ویژه قرآن و غیربشری بودن آن، ترجمه قرآن به زبان‌های غیر عربی پرچالش‌ترین موضوع در بین مترجمان بوده و هست. به‌ویژه انتقال مفهوم کنایات و مثل‌ها با توجه به بعد اعجاز قرآن تقریباً کاری غیر ممکن است. در عین حال با ترویج گسترده اسلام در سطح جهان و لزوم بهره‌گیری همه مسلمانان از این منبع وحی، ترجمه قرآن امری اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی آشنایی اکثریت مردم دنیا با زبان انگلیسی، ترجمه قرآن به این زبان را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال پاسخ به این سوال است که مترجمان انگلیسی قرآن (آربری، صفارزاده، پیکتال و یوسف علی) در ترجمه واژه «بعض» و ترکیبات آن، چگونه عمل کرده‌اند؟ در بررسی ترجمه‌های موجود تأثیر تفاوت زبان مادری و تفاوت‌های فرهنگی مترجمان، در آثار ارائه شده کاملاً مشهود است. البته گاهی حسب نیاز گریزی به دیگر ترجمه‌ها نیز زده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در بیشتر موارد به نقش دستوری واژه یا معنای خاص آن در ترکیب استفاده شده، بی‌توجهی شده و ترجمه صحیحی ارائه نشده است.

واژگان کلیدی: ترجمه انگلیسی قرآن، آربری، یوسف علی، صفارزاده، پیکتال، واژه «بعض».

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۹، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸.

۱. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآن و حدیث مشهد، ایران (نویسنده مسئول): (jchaji@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد، ایران: (m.noruzi@quran.ac.ir)



۱. طرح مسئله

زبان انگلیسی، در میان زبان‌های زنده دنیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این زبان علاوه بر اینکه زبان رسمی بسیاری از کشورهای دنیا است به عنوان یک زبان بین‌المللی پذیرفته شده است و تدوین بیشتر اسناد و مدارک و کتاب‌های بین‌المللی به این زبان انجام می‌گردد. این زبان، راه ارتباطی بسیاری از مردم دنیا با یکدیگر و ابزاری برای شناخت و شناساندن فرهنگ‌های مختلف است. از طرفی اسلام مکتبی جهانی است و خداوند در جای جای قرآن همه مردم را مورد خطاب قرار داده است و قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی مسلمانان همواره مورد توجه اقوام و ملل مختلف بوده است. از این رو جهت نشر هر چه بهتر معارف اسلامی و مبارزه با تحریف‌ها و کج‌فهمی‌های غرض‌ورزان و مستشرقان، ترجمه انگلیسی صحیح از قرآن اهمیت بسیار زیادی دارد. از همین رو است که تعداد زیادی ترجمه انگلیسی از قرآن نوشته و به چاپ رسیده است. از مهم‌ترین ترجمه‌های نوشته شده می‌توان به آثار آرتور جان آربری (Arthur John Arberry)، محمد شاکر، عبدالله یوسف علی، تامس بالتین ابروینگ (Thomas Ballentine Irving)، محمد مارمادوک پیکتال (Marmaduke Pickthall) و طاهره صفارزاده اشاره کرد که هر یک از آن‌ها دارای نقاط قوت مخصوص به خود است. آنچه مسلم است این است که هیچ مترجمی، هر اندازه زبردست هم باشد، نخواهد توانست پیام خداوند را آن گونه که هست به زبان مقصد انتقال دهد. از این رو نقد ترجمه‌های موجود می‌تواند در جهت نزدیک شدن هر چه بیشتر به مقصود اصلی قرآن، راهگشا باشد. در این مقاله از بین ترجمه‌های معتبر نوشته شده، چهار ترجمه آربری، صفارزاده، پیکتال و یوسف علی را جهت بررسی انتخاب کرده‌ایم. این چهار مترجم از فرهنگ‌های مختلف و با زبان‌های مادری متفاوت هستند و این خود موضوعی است که می‌تواند بر روی سبک ترجمه ایشان تأثیر بسزایی داشته باشد. واژه «بعض» از موارد چالش‌برانگیز در ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر است. این واژه به دلیل نقش‌های مختلفی که در جمله می‌گیرد و ترکیبات خاصی که از آن در زبان عربی ساخته می‌شود ایجاد ابهام نموده و معمولاً مترجم را به اشتباه می‌اندازد. لذا توجه به تفسیر آیه و معنای خاص ترکیب ساخته شده از این واژه در ترجمه آیات، بسیار مهم است. در این مقاله به بررسی و مقایسه ترجمه‌های ذکرشده، با محوریت واژه «بعض» می‌پردازیم و ایرادات وارد بر ترجمه‌ها را بیان خواهیم کرد. پیش از ورود به بحث اصلی، ابتدا به معرفی اجمالی مترجمان پرداخته و سپس واژه موردنظر را از لحاظ ساختاری بررسی می‌کنیم. در بخش اصلی مقاله، با اشاره به برخی آیات موردنظر، ترجمه‌های آن را ذکر کرده و مقایسه می‌کنیم. تمرکز ما بر روی ترجمه واژه موردنظر و ترکیبات آن است و نحوه ترجمه بقیه آیه مدنظر نیست.

۲. پیشینه پژوهش

مسلمانان از صدر اسلام با تأکید و تشویق پیامبر اکرم^ع به فراگیری زبان‌های غیرعربی مشغول بودند تا بتوانند ارتباط مؤثرتری با دیگر اقوام داشته باشند. وجود اصحاب غیرعرب مثل سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی در بین مسلمانان، باعث می‌شد تا گاهی برخی از آیات قرآن، به دیگر زبان‌ها ترجمه شود (جواهری، درسنامه ترجمه، ۱۳۸۸ ش: ۱۰). در دوران صحابه و تابعیان نیز ارائه ترجمه‌هایی از قرآن ادامه داشت؛ اما در بین افرادی نیز بودند که به دلایلی با ترجمه قرآن مخالفت می‌کردند و منازعات بر سر این موضوع تا پیش از قرن چهارم ادامه داشت (پیروزفر و همکاران، «واکاوی نظرها و نظریه‌ها در بازخوانی مجدد پیشینه تاریخ ترجمه قرآن کریم» (مطالعه موردی سیر شکل‌گیری ترجمه‌های فارسی))، ۱۳۹۹ ش: ۷۲). برخی از دلایل مخالفت آنها با ترجمه، صرف‌نظر از جواز ترجمه معانی و مفاهیم قرآن، امکان نداشتن ارائه متنی غیرعربی بود که از نظر محتوا با قرآن برابری کند و آثار شرعی نیز بر آن مترتب باشد؛ همچنین پاره‌ای از ملاحظات سیاسی چون مقابله با تلاش استعمارگران برای جایگزینی ترجمه‌ها به جای اصل قرآن بوده است (جمعی از محققان، فرهنگ نامه علوم قرآنی، ۱۳۹۴ ش: ۱/ ۱۳۴۱). ابوحنیفه نخستین کسی بود که به جواز خواندن قرآن در نماز به زبان فارسی فتوا داد و برخی از شاگردان او بر این اساس به خواندن نماز به دیگر زبان‌ها نیز فتوا دادند (الطیب‌ای، «احکام و تاریخ ترجمه قرآن کریم»، ۱۳۹۹ ش: ۷۹). البته برخی قائل به این نظر هستند که ابوحنیفه بعداً از این نظر خود برگشته است (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۱۳۶۰ ق: ۳: ۳۱۳). اختلاف‌ها و کشمکش‌ها بر سر جواز ترجمه قرآن تا اوایل قرن چهارم ادامه پیدا کرد. در قرن چهارم «ترجمه و تفسیر رسمی» یا ترجمه تفسیر بزرگ جامع البیان طبری به همت علمای ماوراء النهر و به درخواست سلطان منصور بن نوح سامانی رخ داد (جواهری، درسنامه ترجمه، ۱۳۸۸ ش: ۱۰). از آن پس، ترجمه‌های گوناگون و متعددی از قرآن به زبان‌های مختلف و بیش از همه به زبان‌های فارسی، اردو و انگلیسی نوشته شد. الکساندر راس (Alexander Ross) نخستین ترجمه انگلیسی را از روی ترجمه فرانسوی آندره دوریه ((André du Ryer) نوشت و در سال ۱۶۴۹م به نام «قرآن محمد» به چاپ رساند. جرج سیل (George Sale) برای نخستین بار در سال ۱۷۳۴م متن عربی قرآن به صورت مستقیم به انگلیسی برگرداند و ترجمه او به عنوان یک اثر مطلوب پذیرفته شد (ویسی، «نگاهی اجمالی به ترجمه‌های انگلیسی قرآن»، بی تا: ۶۸). از جمله ترجمه‌های کامل و مورد توجه به زبان انگلیسی می‌توان به ترجمه‌های پیکتال (۱۹۳۰ م)، یوسف علی (۱۹۴۲)، آربری (۱۹۵۵ م)، ایروینگ (۱۹۸۰ م) و صفارزاده (۱۳۸۰ ش) اشاره کرد. این ترجمه‌ها مورد نقد و بررسی برخی از محققان قرار گرفته است.



گاهی یک مترجم، محور کار قرار گرفته و ترجمه وی مورد بررسی و نقد بوده است. مقاله «بررسی ترجمه انگلیسی یوسف علی» نوشته آرتور جفری (Arthur Jeffery)، مقاله «ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم» نوشته حسین تک‌تبارفیروزجانی و مقاله «نگاهی به قرآن مفسر آربری» نوشته عبدالرحیم قدوائی از این دسته هستند. گاهی هم یک سوره محور بحث بوده و ترجمه چند مترجم از آن با هم مقایسه شده است. مقاله «بررسی تطبیقی ترجمه‌های انگلیسی قرآن آربری، شاکر و قرایی از آیات منتخب سوره رعد» نوشته خدیجه عامری و زینب السادات حسینی، مقاله «نقد و ارزیابی ترجمه‌های انگلیسی قرآن کریم از سوره مبارکه الانسان» نوشته محمود واعظی و مقاله «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم» نوشته سیدمحمدجواد وزیری فرد از این دست هستند. دسته دیگری از مقالات به بررسی برخی ساختارهای ادبی یا واژه‌های خاص در ترجمه‌های انگلیسی پرداخته‌اند که می‌توان به مقاله «بررسی ضمیر فاعلی پنهان در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم» نوشته مهرزاد منصوری، مقاله «ریشه‌یابی ماده «لبس» و نقش آن در فرآیند معادل‌یابی در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم» نوشته محمدحسن و محمدحسین شیرزاد و عباس مصلائی‌پور و مقاله «بررسی چگونگی انتقال مؤلفه‌های تشبیه در ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن» نوشته امید اکبری، محمد یزدانی و اعظم غمخواه اشاره کرد. در این مقاله با توجه به معانی مختلف واژه «بعض» و ترکیبات خاص ساخته‌شده با آن، ترجمه‌های آربری، یوسف علی، پیکتال و صفارزاده را مورد بررسی و مقایسه قرار داده‌ایم. شایان ذکر است بر اساس جستجوی انجام‌شده، پژوهشی با این موضوع بر روی ترجمه‌های موردنظر انگلیسی قرآن انجام نشده است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله تطبیقی - تحلیلی است که ترکیبی از روش تطبیقی و روش تحلیلی است. در روش تطبیقی یا مقایسه‌ای دو یا چند پدیده مشابه با هم مقایسه می‌شوند و در روش تحلیلی به بررسی اجزای یک پدیده پرداخته می‌شود. اطلاعات موردنیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از ظرفیت فضای مجازی و منابع الکترونیکی معتبر گردآوری شده است. با توجه به تعداد زیاد آیاتی که واژه مورد نظر در آن‌ها به کار رفته است، جهت بررسی ترجمه‌ها، آیاتی را انتخاب کرده‌ایم که در نگاه اول دارای ابهام بوده و معمولاً مترجمان را به اشتباه می‌اندازد. در نهایت، ترجمه‌ها با هدف دستیابی به نظر بهینه، مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است. شایان ذکر است، در انتخاب عنوان ترجمه مناسب یا ترجمه نامناسب، صرفاً ترجمه ارائه شده درباره واژه «بعض» و یا ترکیبات به‌کاررفته از آن در آیه موردبحث، مدنظر بوده و نحوه ترجمه بقیه آیه در این تحقیق مورد بحث ما نیست.

۴. آشنایی با چهار مترجم منتخب و ترجمه‌های ایشان

پیش از ورود به بحث بررسی و مقایسه ترجمه‌های ارائه‌شده از واژه «بعض» و ترکیبات آن، بهتر است به طور اجمالی با مترجمان مورد بحث آشنا شویم. از بین افراد متعددی که کار ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی پرداخته‌اند، یوسف علی، آربری، پیکتال و صفارزاده جهت مطالعه و بررسی انتخاب شده‌اند. دلیل این انتخاب ارائه ترجمه کامل از قرآن کریم و اختلاف در زبان مادری آن‌ها است.

یک. عبدالله یوسف علی

یوسف علی متولد ۱۸۷۲ م در هندوستان است. ابتدا در رشته ادبیات کلاسیک تحصیل کرد و سپس برای تحصیل در رشته حقوق به انگلیس رفت. وی از چهره‌های مطرح سیاسی در هند و انگلستان بود. به زبان انگلیسی تسلط کامل داشت و در جریان جنگ جهانی اول به عنوان نماینده انگلیس در کنفرانس پاریس حضور یافت. سرانجام در سال ۱۹۵۳ م در لندن درگذشت. وی در فاصله سال‌های ۱۹۲۵ م تا ۱۹۳۷ م موفق شد کار ترجمه قرآن کریم را به پایان رسانده و آن را به چاپ برساند. چاپ سوم این کتاب با عنوان "The Holy Quran: Text, Translation and Commentary" منتشر شد که تاکنون به این نام شناخته می‌شود. این ترجمه یکی از مشهورترین ترجمه‌های انگلیسی قرآن است. وی علاوه بر ترجمه قرآن، مقدماتی درباره ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن کریم و همچنین مقدمه‌ای برای هر سوره و چندین پیوست نیز نوشته است که پیوست‌ها در چاپ ۱۹۹۰ م حذف شده‌اند. روش وی در ترجمه از نوع معنا شناختی است که در آن تلاش بسیاری برای حفظ چهارچوب زبان مبدأ می‌شود. یوسف علی به ترجمه کلمه به کلمه قرآن پرداخته است و حاشیه‌هایی را برای توضیح به آن افزوده است. از ترجمه‌های قدیمی تر قرآن به زبان انگلیسی و همچنین تفاسیر قرآن استفاده کرده است. تسلط نداشتن وی بر زبان عربی و ناآگاهی از علوم شرعی، از جمله ضعف‌های وی به شمار می‌روند (الخطیب، «نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم»، ۱۳۸۹: ۷۳-۸۸).

دو. آرتور جان آربری

آربری متولد ۱۹۰۵ م در انگلستان است. ابتدا در رشته زبان‌های باستانی به تحصیل پرداخت و سپس به آموختن زبان و ادبیات فارسی و عربی همت گماشت (موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷ ش: ۱، مدخل آربری). در سال ۱۹۴۴ م کرسی استادی زبان فارسی و در سال ۱۹۴۷ م کرسی استادی زبان عربی را در دانشگاه لندن گرفت. در خلال جنگ جهانی دوم به عنوان رئیس تبلیغات دولتی به زبان عربی در وزارت اطلاعات انگلستان به کار گرفته شد. آثار وی از نظر تنوع و تعدد و نیز



جامعیت آراییه که عرضه می‌کند، و نیز به سبب نثر روان و بیان ساده و شاعرانه‌ای که در نگارش یا ترجمه به کار می‌برد، از شهرت فراوانی برخوردار است. وی به تاریخ و فرهنگ ایران علاقه‌مند بوده و تألیفاتی در این زمینه داشته است (اردستانی، «آربری و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی»، ۱۳۸۰ ش: ۸۶). از جمله آثار مشهور وی ترجمه انگلیسی قرآن کریم است که علی‌رغم عدم برخورداری از دقت کافی، به علت بیان زیبا و شیوا، همچنان مورد توجه است. این کتاب در سال ۱۹۵۵م با عنوان "The Koran Interpreted" به چاپ رسید (قدوانی، «نگاهی به قرآن مفسر آربری»، ۱۳۷۷ ش: ۷-۱۰).

سه. طاهره صفارزاده

صفارزاده در سال ۱۳۱۵ ش در سیرجان به دنیا آمد. وی ابتدا مدرک لیسانس خود را در رشته زبان و ادبیات انگلیسی گرفت و سپس برای ادامه تحصیل به انگلیس و آمریکا رفت. پس از انقلاب اسلامی به ریاست دانشگاه شهید بهشتی منصوب شد. وی در سال ۱۳۸۷ به علت ضایعه مغزی در تهران درگذشت. ترجمه او از قرآن، به نام ترجمه قرآن حکیم به دو زبان فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید (جلالی، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحومه طاهره صفارزاده، ۱۳۹۸ ش: ۲۰). ترجمه صفارزاده از نوع ترجمه تفسیری است و آنچه برای او در درجه اول اهمیت قرار دارد پیام و محتوای متن مبدأ و پایبندی به ساختارهای زبانی زبان مقصد است (تک‌تبارفیروزجانی، حسین، «ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم»، ۱۳۹۴ ش: ۴۶). با توجه به اینکه وی ترجمه انگلیسی قرآن را بعد از ترجمه فارسی انجام داده است، به طور کلی میزان اشتباهات او کمتر شده و ترجمه نسبتاً بهتری را نسبت به قبل ارائه داده است (محمدبیگی و رضائی، «بررسی و مقایسه ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده»، ۱۳۹۱ ش: ۱۱۰).

چهار. مارمادوک پیکتال

در سال ۱۸۷۵ در انگلستان و در خانواده‌ای مسیحی متولد شد. بعدها در جریان سفر به فلسطین به اسلام علاقه‌مند شد و در سال ۱۹۱۷ به این دین گروید و نام محمد را برای خود برگزید. او که به دلیل تسلط بر قرآن، مدتی امام جماعت مسجدی در لندن بود در طی سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ مشغول ترجمه قرآن به زبان انگلیسی شد. در واقع او اولین مترجم قرآن به زبان انگلیسی بود. ترجمه او خالی از هرگونه توضیح و تفسیر و همراه با یک مقدمه بسیار مختصر در ابتدای هر سوره است. او با این اعتقاد که قرآن ترجمه‌پذیر نیست، صرفاً به ارائه یک ترجمه تحت‌اللفظی پرداخته است (وزیری، «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم»، ۱۳۸۸ ش: ۴۲). اثر وی، از ترجمه‌های مشهور در جهان

اسلام، به‌ویژه در پاکستان و هند به شماره می‌رود و گاهی به‌عنوان منبعی برای ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده از شیوه انگلیسی کهن در ترجمه ضمائر و صیغه‌های افعال، فهم آن را برای مسلمانان امروزی که به نثر قدیم انگلیسی آشنایی ندارند، سخت کرده است. وی در سال ۱۹۳۶ به علت ازسداد شریان قلبی درگذشت (کریمی‌نیا، «مارمادوک پیکتال، مترجم قرآن به زبان انگلیسی»، ۱۳۷۸ ش: ۸۸-۹۳).

۵. آشنایی با واژه «بعض» و ترکیبات آن در قرآن

«بعض الشيء»، جزئی از آن چیز است. چون جزء در برابر کل قرار دارد پس بعض هم در برابر کل قرار می‌گیرد و گفته می‌شود «بَعْضُهُ وَكُلُّهُ»، جمع آن «ابعض» است (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، بی تا: ۶۸). بعض در کمیت به کار می‌رود نه در کیفیت. گاهی مضاف الیه آن حذف می‌شود و «توین عوض» جای آن را می‌گیرد (مصطفوی، التحقيق، ۱۳۶۸ ش: ۱: ۳۲۶). این واژه ۱۵۸ بار در قرآن به کار رفته است که فقط یک بار به صورت مشتق در آیه ۲۶ سوره بقره و به شکل «بعضه» آمده است و در بقیه موارد به همان شکل اصلی، اما در ساختارهای متفاوت آمده است. از این تعداد ۳۳ مرتبه در ۲۷ آیه به تنهایی به کار برده شده است. در این موارد گاهی به‌عنوان قید مقدار به کار رفته است. مثل Π قَالَ لِيُثَبِّتْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ (بقره/۲۵۹) و گاهی به‌عنوان نکره ساز استفاده شده است. مثل Π أَوْ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ O (انعام/۱۵۸). همچنین ۱۲۴ مرتبه کاربرد این واژه، به شکل ترکیب‌هایی است که شامل دو واژه «بعض» هستند. بنابراین ۶۲ بار به صورت ترکیبی به کار رفته است. این ترکیب‌ها عموماً به صورت خاص «بعض + ضمیر متصل + حرف جر + بعض» است. ضمیر متصل معمولاً از ضمائر (ه، ها، نا، کم، هم) است و حرف جر از حروف (ب، ل، علی، فی، من) هستند. مثل Π بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ O (بقره/۷۶)، Π بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ O (قلم/۳۰)، Π بَعْضُنَا بِبَعْضٍ O (انعام/۱۲۸)، Π بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ O (آل عمران/۳۴) و... از این رو این اصطلاحی خاص در زبان عربی است که عموماً مفهوم (یکدیگر/همدیگر) را در بر دارد (کریمی‌نیا «درنگی در ترجمه چند واژه و اصطلاح قرآنی»، ۱۳۸۲ ش: ۱۱).

۶. بررسی آیات و ترجمه آن‌ها

در این بخش ابتدا به بررسی آیاتی می‌پردازیم که واژه «بعض» در آنها به صورت مستقل به کار رفته است و سپس ترکیبات گوناگون ساخته شده از این واژه را مورد بررسی قرار خواهیم داد. به علت تکرار زیاد این واژه در قرآن کریم، از بیان موارد مشابه و مواردی که ترجمه آن به صورت صحیح انجام شده، صرف نظر شده است.



یک. مواردی که واژه «بعض» به صورت مستقل به کار رفته است:

II وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَرْوَاحِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ O (تحریم/۳)
کلمه بعض در این آیه سه بار تکرار شده است. با توجه به اینکه فرموده «نَبَّأَتْ بِهِ» مشخص می شود منظور از بعض در ابتدای آیه یکی از زنان است؛ اما بعض دوم و سوم به معنای بخشی یا مقداری است. اگرچه در برخی از ترجمه‌های انگلیسی مثل ترجمه‌ای که سازمان مسلمانان مترقی ارائه کرده است در ترجمه دچار اشتباه شده‌اند؛ اما در چهار ترجمه مدنظر ما این ترجمه به درستی صورت گرفته است.

مسلمان مترقی

The prophet had trusted some of his wives ... He then informed his wife of part of the issue, and disregarded part...

صفارزاده

Once the Holy Messenger disclosed a Matter in confidence to one of his wives... and made known a Part of it and passed over a part...

پیکتال

When the Prophet confided a fact unto one of his wives... he made known part thereof and passed over part....

آربری

And when the Prophet confided to one of his wives... he made known part of it, and turned aside from part then. . . . ,

یوسف علی

When the Prophet disclosed a matter in confidence to one of his consorts, ... he confirmed part thereof and passed over a part....

II فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ O (بقره/۷۳)

چنانکه در تفاسیر آمده است مقصود از بخش اول آیه این است که قسمتی از گاو ذبح شده را به بدن مقتول بزنند. ترجمه‌های ارائه شده به این صورت است.

صفارزاده: Strike the dead body With a piece of the slaughtered cow

پیکتال: Smite him with some of it

آربری: (Smite him(dead)with part of it(Sacrificed cow

یوسف علی: (Strike the(body)with a piece of the(heifer

صرف نظر از نحوه ترجمه بقیه آیه، عبارت مناسب جهت ترجمه «بعض» در اینجا part of و a piece of است؛ اما در ترجمه پیکتال به اشتباه از some of استفاده شده است.

Π إِنْ تَقُولُ إِلَّا اعْتَزَكَ بِبَعْضِ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (هود/۵۴)
به نظر می رسد در این آیه کلمه بعض به معنای یکی است. در برخی از ترجمه های فارسی نیز به همین معنا ترجمه شده است (میدبدی، کشف الاسرار و عدة الابرار، ۱۳۷۱ ش: ۴/ ۵۸؛ موسوی گرمارودی، ترجمه قرآن، ۱۳۸۴ ش: ۱/ ۲۲۸). در بین ترجمه های انگلیسی آربری و پیکتال آن را به معنای یکی گرفته و بقیه عموماً به صورت «برخی» ترجمه کرده اند.

صفارزاده: ...All we say is that some of our gods

پیکتال: ...We say naught save that one of our gods

آربری: ... We say nothing, but that one of our gods

یوسف علی: ...We say nothing but that (perhaps) some of our gods

Π قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَ أَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (یوسف/۱۰)

در اینجا در واژه «بعض» نوعی عدم تعین و ابهام نهفته است. به صورتی که مضاف الیه معنای نکره به خود می گیرد (کریمی نیا، «درنگی در ترجمه چند واژه و اصطلاح قرآنی»، ۱۳۸۲ ش: ۸). در برخی از ترجمه های فارسی هم به این موضوع دقت شده و «بَعْضُ السَّيَّارَةِ» را «کاروانی» یا «یک کاروان» ترجمه کرده اند؛ مثل ترجمه الهه قم شه ای، آیتی، پورجوادی، خرم دل و ...، اما در ترجمه های انگلیسی بررسی شده، متأسفانه به این موضوع توجه نشده است و از قید some که به معنای «برخی» یا «بعضی» هست استفاده شده است که در ادامه می بینیم.

صفارزاده: Some caravans may take him up

پیکتال: some caravan will find him

آربری: some traveller will pick him out

یوسف علی: be picked up by some caravan of travelers



II وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ O (حاقه/۴۴)

روشن است که تهدید خداوند که در آیات بعد بیان شده است در صورتی که حتی یک سخن ناروا از طرف پیامبر به او نسبت داده شود، عملی خواهد شد. از این رو در اینجا ترجمه «بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ» به صورت part of یا some of صحیح نیست که در برخی ترجمه‌های انگلیسی مثل شاکر و ایروینگ به چشم می‌خورد. در ترجمه‌های مورد بررسی، ترجمه یوسف علی و آربری به صورت صحیح انجام شده است.

صفارزاده: And if the Messenger had forged words While quoting them under Our Name

پیکتال: And if he had invented false sayings concerning Us

آربری: Had he invented against Us any sayings

یوسف علی: And if the messenger were to invent any sayings in Our name

II وَ لَوْ تَزَلَّناهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ * فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ O (شعراء/ ۱۹۸ و ۱۹۹)

ضمایر به کار رفته در «فَقَرَأَهُ» نشان می‌دهد که مراد از «بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ» یکی از عجمان است و لذا در اینجا هم استفاده از some و part صحیح نیست. اشتباهی که در برخی از ترجمه‌های انگلیسی مثل شاکر و قرائی به چشم می‌خورد؛ اما ترجمه‌های منتخب به صورت زیر است که قابل قبول است.

صفارزاده: Had We revealed the Holy Qur'an to Any of the non-Arabs

پیکتال: And if We had revealed it unto one of any other nation than the Arabs

آربری: (If We had sent it down on a barbarian (non Arab

یوسف علی: Had We revealed it to any of the non-Arabs

دو. مواردی که واژه «بعض» به صورت ترکیب به کار رفته است:

الف. ترکیب «بعض + ضمیر (اسم) + بعضا»

ترکیب «بَعْضُكُمْ بَعْضًا» در چهار آیه تکرار شده است (بقره/۲۸۳؛ نور/۶۳؛ عنکبوت/۲۵؛ حجرات/۱۲). این ترکیب مفهوم یکدیگر یا همدیگر را می‌رساند که در زبان انگلیسی به شکل each other یا one another به کار برده می‌شود. در ترجمه‌های مورد بررسی نیز معمولاً از همین ترکیب استفاده شده است. به عنوان نمونه آیه ۱۲ حجرات به صورت زیر ترجمه شده است.

II وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا O (حجرات/۱۲)

صفارزاده: Do not backbite about one another

پیکتال: And spy not, neither backbite one another

آربری: And do not spy, neither backbite one another

یوسف علی: and spy not on each other



البته گاهی نیز مترجم دچار خطا شده است و عجیب است که یک ترکیب واحد که مفهوم آن نیز در هر چهار آیه یکی است، به شکل های متفاوت ترجمه شده است. برای نمونه به ترجمه صفارزاده و یوسف علی از آیه ۶۳ نور توجه کنید که با ترجمه آن ها از دیگر آیات تفاوت دارد.

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا (نور/۶۳)

صفارزاده:

You should not call the Messenger Familiarly as if you are calling one of Yourselves

پیکتال:

Make not the calling of the messenger among you as your calling one of another

آربری:

Make not the calling of the Messenger among yourselves like your calling one of another

یوسف علی:

Deem not the summons of the Messenger among yourselves like the summons of one of you to another

چنین اشتباهاتی در دیگر ترجمه های انگلیسی نیز به چشم می خورد که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری می کنیم.

همین ترکیب به صورت «بَعْضُهُمْ بَعْضًا» در سه آیه (مؤمنون/۴۴؛ فاطر/۴۰؛ زخرف/۳۲) نیز آمده است. همچنین یک بار به صورت «بَعْضُنَا بَعْضًا» در آیه (آل عمران/۶۴) و یک بار هم به صورت بَعْضُ الظَّالِمِينَ بَعْضًا در آیه (انعام/۱۲۹) آمده است. در این موارد نیز ترجمه مناسب معادل واژه یکدیگر یا همدیگر است. حال به بررسی ترجمه های منتخب در این آیات می پردازیم.

...وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران/۶۴)

در بین ترجمه های انگلیسی بررسی شده تنها قرآنی به شکلی صحیح این بخش از آیه را ترجمه نموده است و از همان اصطلاح each other استفاده کرده است.

قرآنی: and that we will not take each other as lords besides Allah

صفارزاده: and do Not some of us take others as The god other than Allah

پیکتال: and that none of us shall take others for lords beside Allah

آربری: and do not some of us take others as Lords

یوسف علی: that we erect not, from among ourselves, Lords and patrons other than Allah



II فَأَتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَ... O (مؤمنون/۴۴)

چنانکه در ادامه می‌بینیم در ترجمه‌های صفارزاده، پیکتال و یوسف علی به شکل صحیح ترجمه شده و عبارت each other یا one another به کار رفته است؛ اما همان طور که خواهیم دید، آربری در ترجمه دچار لغزش شده است. در سایر ترجمه‌ها نیز قرائی ترجمه‌ای صحیح ارائه کرده است.

صفارزاده: so We made the disbelievers follow One another into destruction

پیکتال: (so We caused them to follow one another (to disaster

آربری: so We caused some of them to follow others

یوسف علی: (so We made them follow each other (in punishment

قرائی: so We made them follow one another

در ترجمه آیه ۴۰ سوره فاطر همه مترجمین از عبارت صحیح each other یا one another استفاده کرده‌اند؛ اما جالب توجه اینکه همین عبارت مشابه را در آیه ۳۲ زخرف به شکل دیگری ترجمه کرده‌اند. در بین ترجمه‌های بررسی شده تنها ترجمه سرور از این آیه به درستی انجام شده است.

III ... لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا O (زخرف/۳۲)

صفارزاده: that they may Hire them for work

پیکتال: that some of them may take labour from others

آربری: that some of them may take others in servitude

یوسف علی: so that some may command work from others

سرور: so that they would mock each other

در ترجمه آیه (انعام/۱۲۹) از پشتیبانی و دوستی ظالمان با یکدیگر سخن به میان آمده است. یوسف علی و آربری عبارت صحیح each other را به کار برده‌اند؛ اما چنانکه خواهیم دید صفارزاده و پیکتال در ترجمه این عبارت دچار اشتباه شده‌اند.

IV وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا O (انعام/۱۲۹)

صفارزاده: Thus, We let some of the evildoers be Under the power of others

پیکتال: Thus We let some of the wrong-doers have power over others

آربری: So We make the evildoers friends of each other

یوسف علی: Thus do we make the wrong-doers turn to each other

ب. ترکیب «بعض + ضمیر (اسم) + علی + بعض»

ترکیب (بعض + ضمیر (اسم) + علی + بعض) هم از ترکیبات پرتکرار است و ۱۶ مرتبه در قرآن تکرار شده است (بقره/۲۵۳؛ نساء/۳۲ و ۳۴؛ انفال/۳۷؛ رعد/۴؛ نحل/۷۱؛ اسراء/۲۱ و ۵۵؛ مؤمنون/۹۱؛ نور/۵۸؛ صافات/۲۷ و ۵۰؛ ص/۲۲ و ۲۴؛ طور/۲۵؛ قلم/۳۰). مفهوم این ترکیب تقریباً در تمامی این آیات مشابه است و انجام کار یا برتری دو یا چند نفر نسبت به یکدیگر را نشان می‌دهد. در ادامه به بررسی نحوه ترجمه بعضی از این آیات می‌پردازیم.

و لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ (نساء/۳۲)

چنانکه گفتیم ترکیب «بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ» مفهوم نسبت به یکدیگر یا همدیگر را دارد. عبارت مناسب برای ترجمه این ترکیب همان each other یا one another است که متأسفانه در ترجمه‌های انگلیسی بررسی شده به آن اشاره نشده است. البته آبروی از عبارت one of you above another استفاده کرده است که نزدیک‌تر به معنای دقیق است.

صفارزاده:

And do not wish the bounty which Allah by bestowing it, has raised some Of you above others

پیکتال:

And covet not the thing in which Allah hath made some of you excel others

آبروی:

Do not covet that whereby God in bounty has preferred one of you above another

یوسف علی:

And in no wise covet those things in which Allah Hath bestowed His gifts more freely on some of you than on others

...وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا (انفال/۳۷)

مفهوم آیه ملحق کردن بدکاران به یکدیگر است تا جمعیتی متراکم به وجود آید. در تفسیر نمونه آمده است: خداوند ناپاکها را به یکدیگر ضمیمه می‌کند و همه را متراکم می‌سازد، و در جهنم قرار می‌دهد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۷: ۱۶۲). حال به بررسی ترجمه‌های این بخش از آیه می‌پردازیم.

صفارزاده: And put the impure, one on another

پیکتال: He place piece upon piece



and place the corrupt one upon another: آربری:

put the impure, one on another: یوسف علی:

and place the bad on one another: قرائی:

تنها در ترجمه قرائی عبارت one another به درستی به کار رفته است. و در بقیه، متأسفانه دقت کافی به کار نرفته است.

II انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ O (اسراء/۲۱)

عبارت «فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» به معنای برتری آن‌ها نسبت به همدیگر یا بر یکدیگر است؛ یعنی بنگر که چگونه آن‌ها بر یکدیگر برتری دادیم. بررسی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که به این موضوع توجه نشده است.

صفارزاده: Behold how We Have Intended some of them excel The others

پیکتال: See how We prefer one of them above another

آربری: Behold, how We prefer some of them over others

یوسف علی: See how We have bestowed more on some than on others

البته استفاده پیکتال از عبارت one of them above another ترجمه وی را به نسبت، مناسب‌تر از دیگران ساخته است.

III ... طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ O (نور/۵۸)

در تفسیر نمونه، در خصوص این بخش از آیه آمده است: واژه «طوافون» در اصل از ماده «طواف» به معنای گردش دور چیزی است، و چون به صورت صیغه مبالغه آمده به معنای کثرت در این امر است. با توجه به اینکه بعد از آن «بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ» آمده مفهوم جمله این می شود که در غیر این سه وقت شما مجاز هستید بر گرد یکدیگر بگردید و رفت‌وآمد داشته باشید و به هم خدمت کنید (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۵۴۰/۱۴). حال به بررسی ترجمه آیه می‌پردازیم.

صفارزاده: Associate with Each other and work together

پیکتال: Some of you go round attendant upon others

آربری: Apart from these that you go about (waiting) one to the other

یوسف علی: Move about attending to each other

در ترجمه صفارزاده و یوسف علی مفهوم آیه بهتر نمایان شده است.

II وَاَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ O (صافات/۲۷)

این ترکیب که در آیه ۵۰ همین سوره نیز تکرار شده است به معنای روی آوردن به یکدیگر است. در آیه ۲۷ سوره صافات اهل دوزخ به هم روی آورده و سؤال می کنند و در آیه ۵۰ سوره صافات بهشتیان به همدیگر روی کرده و سؤال می کنند. همان گونه که در آیه (طور/۲۵) نیز آمده است. در آیه (قلم/۳۰) نیز به صورت مشابه آمده که دوزخیان یکدیگر را ملامت می کنند. در هر حال در تمامی این آیات مفهوم «یکدیگر» یا «همدیگر» دیده می شود. این مفهوم در ترجمه های صفارزاده، آربری و یوسف علی به درستی با عبارت each other یا one another ترجمه شده است؛ اما پیکتال آن را به درستی ترجمه نکرده است.

صفارزاده: They will turn to one another and Question one another

پیکتال: And some of them draw near unto others, mutually questioning

آربری: And advance one upon another, asking each other questions

یوسف علی: And they will turn to one another, and question one another

به همین صورت در آیه ۵۰ همین سوره و همچنین (طور/۲۵، قلم/۳۰) نیز تکرار شده است.

ج. ترکیب «بعض + ضمیر (اسم) + من + بعض»

این ترکیب هم در چهار آیه (آل عمران/۳۴ و ۱۹۵؛ نساء/۲۵؛ توبه/۶۷) آمده است.

ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ O (آل عمران/۳۴)

در تفسیر نمونه ذیل این آیه می خوانیم: این برگزیدگان الهی از نظر اسلام و پاکی و تقوا و مجاهده برای راهنمایی بشر همانند یکدیگر بودند، و همچون نسخه های متعدد از یک کتاب که هر یک از دیگری اقتباس شده باشد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۵۱۸/۲). از این رو در ترجمه این آیه هم مفهوم یکدیگر برای این ترکیب مناسب است. آربری به خوبی اصطلاح one another را به کار برده و پیکتال هم اصطلاح one of another را به کار برده است؛ اما صفارزاده و یوسف علی این موضوع را رعایت نکرده اند.

صفارزاده: Some of their offsprings were Descended from others

پیکتال: They were descendants one of another

آربری: the seed of one another

یوسف علی: Offspring, one of the other

فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ O

(آل عمران/۱۹۵)



برای اینکه تصور نشود که این وعده الهی اختصاص به دسته معینی دارد صریحاً می‌فرماید: «این عمل‌کننده خواه مرد باشد یا زن تفاوتی نمی‌کند»؛ زیرا همه شما در آفرینش به یکدیگر بستگی دارید. «بعضی از شما از بعض دیگر تولد یافته‌اید» زنان از مردان و مردان از زنان. جمله بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ ممکن است اشاره به این باشد که شما همه پیروان یک آئین و طرفدار یک حقیقت هستید و با یکدیگر همکاری دارید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۲۲۲/۳) در اینجا هم به همان معنای «یکدیگر» اشاره شده است که متأسفانه در ترجمه‌های انگلیسی نادیده گرفته شده است. تنها در ترجمه سرور این عبارت به درستی ترجمه شده است.

صفارزاده: The one of you being from the other

پیکتال: Ye proceed one from another

آربری: the seed of one another

یوسف علی: the one of you is as the other

سرور: You are all related to one another

در دو آیه دیگر نیز همین اشتباه در ترجمه رخ داده است که به جهت اختصار از ذکر آن خودداری می‌کنیم.

د. ترکیب «بعض+ضمیر+ل+بعض»

این ترکیب هشت بار در آیات (بقره/۳۶، زخرف/۶۷؛ اعراف/۲۴؛ طه/۱۲۳؛ اسراء/۸۸؛ فرقان/۲۰؛ سبا/۴۲ و حجرات/۲) آمده است که چهار آیه اول مشابه هم هستند. این ترکیب معنای برای یکدیگر یا به‌وسیله یکدیگر را دارد. موضوعی که در ترجمه‌ها توجه چندانی به آن نشده است. در این بخش به بررسی برخی از این آیات می‌پردازیم.

II وَ جَعَلْنَا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً O (فرقان/۲۰)

در تفسیر نمونه چنین می‌خوانیم: منظور آزمودن عمومی مردم به وسیله یکدیگر است؛ چراکه افراد از کار افتاده و ناتوان و بیمار و یتیم و دردمند، آزمونی هستند برای اقویا و افراد سالم و تندرست، و به عکس افراد تندرست و قوی، آزمونی هستند برای افراد ضعیف و ناتوان (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۵۱/۱۵). ترکیب for one another برای ترجمه مناسب است. متأسفانه در هیچ‌کدام از ترجمه‌های منتخب عبارت مناسب به کار نرفته است و ترجمه قرائی از این آیه صحیح است.

صفارزاده: And We make some of you as trials for Others

پیکتال: And We have appointed some of you a test for others

آربری: We appointed some of you to be a trial for others

یوسف علی: We have made some of you as a trial for others

قرائی: We have made you a trial for one another

II قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ (طه/۱۲۳)

ترجمه مناسبت، چنانکه در تفسیر نمونه آمده است، عبارت «دشمن یکدیگر خواهید بود» است مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۱۳/۳۲۶. صفارزاده و یوسف علی به خوبی از اصطلاح one another استفاده کرده‌اند؛ اما در دو ترجمه دیگر دقت کافی به کار نرفته است.

صفارزاده: Allah stated: You go down to The earth with enmity to one another

پیکتال: He said: Go down hence, both of you, one of you a foe unto the other

آربری: Said He, Get you down, both of you together, out of it each of you an enemy to each

یوسف علی: He said: "Get ye down, both of you, - - all together, from the Garden, with enmity one to another

هـ. ترکیب «بعض + ضمیر + الی + بعض»

این ترکیب پنج بار در آیات (بقره/۷۶؛ نساء/۲۱؛ انعام/۱۱۲؛ توبه/۱۲۷؛ سبأ/۳۱) آمده است. این ترکیب به معنای «به یکدیگر» یا «با یکدیگر» است. حال به بررسی ترجمه‌های انگلیسی منتخب می‌پردازیم.

II وَ قَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ (نساء/۲۱)

در تفسیر نمونه این مطلب ذکر شده است: که شما و همسرانتان مدت‌ها در خلوت و تنهایی با هم بوده‌اید (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۳/۳۲۳) که همان مفهوم یکدیگر یا همدیگر را تداعی می‌کند. از مفهوم در ترجمه‌های صفارزاده و یوسف علی به خوبی نشان داده شده است؛ اما پیکتال و آربری از اصطلاح مناسب استفاده نکرده‌اند.

صفارزاده: While you have enjoyed private Association from one another

پیکتال: one of you hath gone in unto the other

آربری: When each of you has been privily with the other

یوسف علی: when ye have gone in unto each other

II يُوَجِّى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ (انعام/۱۱۲)

سخنان فریبنده‌ای برای اغفال یکدیگر به طور اسرار آمیز و احياناً در گوشى به هم می‌گفتند (مکارم



شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۵/ ۴۰۶). در ترجمه‌های پیکتال، آربری و یوسف علی اصطلاح مناسب برای ترجمه «یکدیگر» استفاده شده است؛ اما صفارزاده ترجمه درستی ارائه نداده است.

صفارزاده: who inspire some of them To the others

پیکتال: who inspire in one another

آربری: revealing tawdry speech to each other

یوسف علی: inspiring each other

II يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ الْقَوْلَ O (سبأ/۳۱)

درحالی که هریک از آنها گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد، و با یکدیگر مشغول به جدال و مخاصمه‌اند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۱۸/ ۹۹). بررسی ترجمه‌های منتخب نشان می‌دهد یوسف علی اصطلاح one another را به خوبی استفاده کرده است و بقیه مترجمان در این خصوص دقت کافی نداشته‌اند.

صفارزاده: some utter the blaming Words to others

پیکتال: how they cast the blame one to another

آربری: bandying argument the one against the other

یوسف علی: !throwing back the word (of blame) on one another

و. ترکیب «بعض + ضمیر + ب + بعض»

این ترکیب هشت بار در آیات (بقره/۲۵۱؛ انعام/۵۳ و ۱۲۸؛ انفال/۷۵؛ حج/۴۰؛ عنکبوت/۲۵؛ احزاب/۶ و محمد/۴) آمده است. مفهوم این ترکیب «به وسیله یکدیگر» یا «نسبت به یکدیگر» است. برخی از این آیات را در ترجمه‌های منتخب بررسی می‌کنیم.

II وَاُولَئِكَ الْأَرْحَامُ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ O (انفال/۷۵)

در تفسیر نمونه می‌خوانیم: و در پایان آیه اشاره به ولایت و اولویت خویشاوندان نسبت به یکدیگر کرده، می‌گوید: «خویشاوندان (نیز) نسبت به یکدیگر و در احکامی که خداوند بر بندگان مقرر داشته اولویت دارند». بنابراین، در اینجا مفهوم «نسبت به یکدیگر» برای ترکیب موردنظر مناسب است. همین عبارت عیناً در آیه احزاب/۶ نیز تکرار شده است. خوشبختانه در ترجمه آیه ذکر شده، هر چهار ترجمه صحیح است؛ اما با کمال تعجب می‌بینیم که همین عبارت در سوره احزاب، در ترجمه صفارزاده به گونه‌ای متفاوت ترجمه شده است.

صفارزاده: relatives are nearer to each Other

صفارزاده (احزاب/۶): And the relatives are More privileged regarding the inheritance

پیکتال: and those who are akin are nearer one to another

آربری: but those related by blood are nearer to one another

یوسف علی: But kindred by blood have prior rights against each other

II یَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا (عنکبوت/۲۵)

در قیامت دشمن یکدیگر می‌شوند، از هم بی‌زاری می‌جویند و یکدیگر را لعنت می‌کنند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ ش: ۱۶/۲۴۷). در این آیه ترکیب مورد نظر ما در دو شکل مختلف به کار برده شده است و هر دو مفهوم یکدیگر و همدیگر را دارند. خوشبختانه، هر چهار ترجمه، به خوبی هر دو را به شکل صحیح ترجمه کرده‌اند.

صفارزاده: you express your Disdain for each other and you curse Each other

پیکتال: ye will deny each other and curse each other

آربری: you will deny one another, and you will curse one another

یوسف علی: ye shall disown each other and curse each other

ز. ترکیب «بعض+ضمیر+فی+بعض»

این ترکیب تنها یک بار در آیه (کهف/۹۹) آمده است.

II وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ O (کهف/۹۹)

در تفسیر المیزان آمده است: در جمله (بَعْضُهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ) استعاره‌ای به کار رفته، و مراد این است که در آن روز از شدت ترس و اضطراب آن چنان آشفته می‌شوند که دریا در هنگام طوفان آشفته می‌شود، و مانند آب دریا به روی همدیگر می‌ریزند و یکدیگر را از خود می‌رانند، در نتیجه نظم و آرامش جای خود را به هرج و مرج می‌دهد (طباطبائی، المیزان، ۱۳۷۰ ش: ۱۳/۵۰۶). پس در اینجا هم این ترکیب اشاره به مفهوم «یکدیگر» دارد. بررسی ترجمه‌ها نشان می‌دهد به جز پیکتال، بقیه از عبارت صحیح در ترجمه استفاده کرده‌اند.

صفارزاده: And on that Day, We shall let them Surge on one another like the waves

پیکتال: And on that day we shall let some of them surge against others

آربری: Upon that day We shall leave them surging on one another

یوسف علی: On that day We shall leave them to surge like waves on one another



نتیجه

در این مقاله با هدف دستیابی به ترجمه انگلیسی بهتر و مناسب‌تر از واژه «بعض» و ترکیبات خاص آن، که عموماً به شکل «بعض + ضمیر متصل + حرف جر + بعض» است، به بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم پرداختیم. نتیجه بررسی و مقایسه ترجمه‌ها و توجه به تفسیر آیات نشان می‌دهد که ترجمه این واژه و به‌ویژه ترکیبات خاص آن، معمولاً مترجمان را به اشتباه انداخته است که نشان از نبود شناخت کافی ایشان به ادبیات عرب یا تفسیر آیات موردنظر دارد. در بین ترجمه‌های بررسی شده در این مقاله و در خصوص موضوع مورد بحث ما، یوسف علی با اینکه هندی بوده ترجمه به نسبت مناسب‌تری ارائه داده است که نشان می‌دهد وی تسلط خوبی به هر دو زبان عربی و انگلیسی داشته است. آبرری هم کمتر دچار اشتباه شده است که با توجه به اینکه زبان مادری وی انگلیسی بوده و از طرفی تسلط بسیار خوبی بر زبان عربی داشته است، باید هم چنین انتظاری از او داشته باشیم و حتی همان اشتباهات اندک نیز از آبرری، غیرقابل قبول و توجیه‌ناپذیر است. توجه خانم صفارزاده به جنبه‌های تفسیری و افزوده‌های ایشان به ترجمه، گاهی باعث شده است که یک آیه به شکل متفاوتی از آنچه هست ترجمه شود و مشاهده می‌شود که برای یک عبارت در دو آیه مختلف، دو ترجمه متفاوت ارائه شده است. لغزش‌های متعدد پیکتال در ترجمه ترکیبات واژه «بعض» نشان‌دهنده افراط وی در استفاده از ترجمه تحت‌اللفظی است که باعث می‌شود اصطلاحات به‌کاررفته در قرآن در زمان ترجمه، از معنای حقیقی خود خارج گردند. در موضوع مورد بحث ما در این مقاله ترجمه یوسف علی به نسبت بهتر و مناسب است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه علی موسوی گرمارودی، قدیانی، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۲. اردستانی، مریم، «آربری و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی اسلامی»، آینه میراث، شماره ۱۵، ۱۳۸۰ ش.
۳. الخطیب، عبدالله عبدالرحمن، «نگاهی به زندگی عبدالله یوسف علی و ترجمه او از قرآن کریم»، ترجمه سعید زعفرانی زاده، ترجمان وحی، سال چهاردهم، شماره دوم، ۱۳۸۹ ش.
۴. الطیبی‌بوی، عبداللطیف، «احکام و تاریخ ترجمه قرآن کریم»، ترجمه علی بدری، دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، شماره هشتم، ۱۳۹۹ ش.
۵. پیروفر، سهیلا، زهرا حیدری، حسینعلی مصطفوی، «واکاوی نظرها و نظریه‌ها در بازخوانی مجدد پیشینه تاریخ ترجمه قرآن کریم (مطالعه موردی سیر شکل‌گیری ترجمه‌های فارسی)»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۱۳، ۱۳۹۹ ش.
۶. تک‌تبارفیروزجائی، حسین، «ترجمه طاهره صفارزاده، ترجمه‌ای ارتباطی از قرآن کریم»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۳، ۱۳۹۴ ش.
۷. جواهری، محمدحسن، درسنامه ترجمه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۸ ش.
۸. جلالی، نادره، زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی مرحومه طاهره صفارزاده، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران: ۱۳۹۸ ش.
۹. جمعی از محققان، فرهنگ نامه علوم قرآنی، پژوهشگاه علوم. فرهنگ اسلامی، قم: ۱۳۹۴ ش.
۱۰. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مکتبه نزارمصطفی الباز، قاهره: بی‌تا.
۱۱. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دارالکتب العربی، بیروت: ۱۳۶۰ ق.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۰ ش.
۱۳. کریمی‌نیا، مرتضی، «مارمادوک پیکتال، مترجم قرآن به زبان انگلیسی»، ترجمان وحی، سال سوم، شماره اول، صص ۸۷-۹۳، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. _____، «درنگی در ترجمه چند واژه و اصطلاح قرآنی»، ترجمان وحی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۴-۲۸، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. قدوائی، عبدالرحیم، «نگاهی به قرآن مفسر آربری»، ترجمه علیرضا انوشیروانی، میراث جاویدان، سال ششم، صص ۶-۱۶، ۱۳۷۷ ش.



۱۶. محمدبیگی، شاهرخ؛ رضائی، سمیه، «بررسی و مقایسه ترجمه‌های فارسی و انگلیسی قرآن کریم از طاهره صفارزاده»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، سال دهم، ص ۸۵-۱۱۰، ۱۳۹۱ ش.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۶۸ ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۱۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمدکاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: ۱۳۶۷ ش.
۲۰. میدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عدة الابرار، امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۲۱. وزیری فرد، سیدمحمدجواد، «بررسی و مقایسه چهار ترجمه انگلیسی از قرآن کریم»، حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۸۸ ش.
۲۲. ویسی، الخاص، «نگاهی اجمالی به ترجمه‌های انگلیسی قرآن»، مجله زبان و علوم قرآن، شماره ۵ و ۶، ص ۶۷-۷۲، بی تا.
۲۳. Arthur J. Arberry, The Koran Interpreted (Oxford: Oxford University Press, ۱۹۹۸).
۲۴. Saffarzadeh, T, The Holy Qu'an, honarbidari publication., Tehran, ۲۰۰۱.
۲۵. Yusuf Ali, A. The Holy Qu'an: Text, Translation and Commentary., Maryland. Amana Corp, ۱۹۸۳.
۲۶. Pickthall, Mohammad Marmaduke. The Meaning of the Glorious Koran: An Explanatory Translation.

Resources:

۱. *Holy Quran*, Translated by Ali Mousavi Garmaroudi, Qadyani, Tehran: ۲۰۰۵.
۲. A Group of Researchers, *Dictionary of Quranic Sciences*, Research Institute for Islamic Culture and Sciences, Qom: ۲۰۱۵.
۳. Al-Khatib, Abdullah Abd al-Rahman, "A Glimpse at the Life of Abdullah Yusuf Ali and His Translation of the Holy Quran", Translated by Saeed Zafaranizadeh, The Translation of Revelation, ۱۴th Year, ۲nd Issue, pp. ۷۲-۹۶, ۲۰۱۰.
۴. Al-Tibawi, Abdul Latif, "The Rules and History of the Translation of the Holy Quran", Translated by Ali Badri, Sciences and Teachings of the Quran and Hadith, No. ۸, pp. ۷۴-۹۹, ۲۰۲۰.
۵. Ardestani, Maryam, "Arberry and Cataloguing of Islamic Manuscripts", Mirror of Heritage, No. ۱۵, pp. ۸۵-۸۸, ۲۰۰۱.
۶. Arthur J. Arberry, *The Koran Interpreted*, Oxford: Oxford University Press, ۱۹۹۸.
۷. Jalali, Nadereh, *Biography and scientific and cultural services of the late Tahira Saffarzadeh*, Association of Cultural Artefacts and Prominences, Tehran: ۲۰۱۸.
۸. Javahiri, Mohammad Hassan, *Translation Textbook*, Hawza and University Research Institute, Qom: ۲۰۰۹.
۹. Kariminia, Mortaza, "A Research in the Translation of Some Words and Expressions of the Quran", Tarjuman Wahi, ۸th Year, ۲nd Issue, pp. ۲۸-۴۱, ۲۰۰۳.
۱۰. Kariminia, Mortaza, "Marmaduke Pickthall, the Translator of the Quran in English", Tarjuman Wahi, ۳rd Year, ۱st Issue, pp. ۸۷-۹۳, ۲۰۰۸.
۱۱. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir Nemouneh (The Ideal Exegesis)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tehran: ۱۹۹۲.
۱۲. Meybodi, Rashiduddin, *Kashf al-Asrar and Uddah al-Abrar (Discovery of the Secrets and Preparing the Nobles)*, Amir Kabir, Tehran: ۱۹۹۲.
۱۳. Mohammad Baygi, Shahrukh, Sumayyah Rezaei, "Examining and Comparing the Persian and English Translations of the Holy Quran by Tahira Saffarzadeh", Quran and Hadith Research Journal, ۱۰th Year, pp. ۱۱۰-۸۵, ۲۰۱۲.
۱۴. Mostafavi, Hassan, *Research on the Words of the Holy Quran*, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran: ۱۹۸۹.
۱۵. Mousavi Bojanuvardi, Seyyed Mohammad Kazim, *Great Islamic Encyclopaedia*, Center of Great Islamic Encyclopedia, Tehran: ۱۹۸۸.
۱۶. Pickthall, Mohammad Marmaduke. *The Meaning of the Glorious Koran: An Explanatory Translation*
۱۷. Pirozfar, Sohaila, Zahra Haydari, Hossein Ali Mostafavi, "Analysis of Opinions and Theories in Rereading the History of the Translation of the Holy Quran (A Case Study of the Development of Persian Translations)", Translation Studies of the Quran and Hadith, No. ۱۳, pp. ۶۲-۸۶, ۲۰۲۰.
۱۸. Qadvai, Abdur Rahim, "A Glimpse at the Arberry Commentary on the Quran", Translated by Alireza Anoushirvani, Javidan Legacy, ۶th Year, pp. ۱۶-۶, ۱۹۹۸.
۱۹. Raghieb Isfahani, Hossein bin Mohammad, *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*, Makatabah Nazar Mustafa al-Baaz, Cairo: n.d.
۲۰. Saffarzadeh, T, *The Holy Quran*, Honarbidari Publication., Tehran, ۲۰۰۱.
۲۱. Suyuti, Jalal al-Din, *Al-Itqan fi Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Qur'an)*, Dar al-Kutub al-Arabi, Beirut: ۱۳۶۰ A.H.
۲۲. Tabatabai, Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*, Seminary Teachers' Society, Qom: ۱۹۹۱.
۲۳. Tektar Firouzjaji, Hossein, "Tahira Saffarzadeh's Translation, A Communication Translation of the Holy Quran", Quran and Hadith Translation Studies, Number ۳, pp. ۲۷-۴۷, ۲۰۱۵.
۲۴. Vaisi, Al-Khass, "An Overview of the English Translations of the Quran", Journal of Quranic Language and Sciences, No. ۵ and ۶, pp. ۶۷-۷۲, n.d.
۲۵. Waziri Fard, Seyyed Mohammad Javad, "Examination and Comparison of Four English Translations of the Holy Quran", Seminary and University, Qom: ۲۰۰۹.
۲۶. Yusuf Ali, A. *The Holy Quran: Text, Translation and Commentary.*, Maryland. Amana Corp, ۱۹۸۳.